

به سرزمین‌های مستعمره انگلستان فرستاده می‌شدند تا بر روی زمین‌های کشاورزی یا معادن و صنایع وابسته مشغول به کار شوند.

مفهوم زندان در آمریکا، با نهضت کواکرها که فرقه‌ای مذهب از مسیحیت پروتستان بود، متولد شد. کارکرد زندان بیشتر برای تقویت حس ندامت، پشیمانی و توبه برای بزهکاران بود. اگرچه این دیدگاه به مرور زمان مضمحل گردید، اما ریشه نهاد اصلاح و درمان در آمریکا، به این نهضت بازمی‌گردد.

مفهوم زندان در جامعه ایرانی نیز قدمتی به تاریخ باستان دارد، اما مجازات حبس را باید در قوانین کیفری مصوب در اواخر دوره قاجاریه جست‌وجو کرد. با تحول قانون مجازات عمومی در دوران سلطنت پهلوی، مجازات حبس و نهاد زندان اهمیت ویژه یافت؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در اوایل دهه ۶۰، به دلیل ملاحظات شرعی در خصوص جایگاه مجازات حبس در قلمرو جرائم تعزیری و نظر غالب فقهای شورای نگهبان وقت، جایگاه مجازات حبس تنزل پیدا کرد و نهاد زندان بیشتر جنبه نگاه‌دارنده برای مجرمان و متهمان، به خصوص متهمان و مجرمان امنیتی داشت. البته این وضعیت در دهه هفتاد و پس از آن، تغییر کرد و بر اقتدار زندان و جایگاه مجازات حبس برای چند دهه افزود.

کارکرد مجازات حبس

همان‌طور که در سیر تاریخی نشان داده شد، مجازات حبس در ادوار تاریخی مختلف، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کرد و به تدریج، نهاد زندان به عنوان مکانی برای اجرای مجازات حبس در نظر گرفته شد. برخی از کاربردهای این مجازات را می‌توان در عباراتی از قبیل دالان اجرای اعدام، مکانی برای استقرار زندانیان محکوم به اعمال شاقه، محل نگاهداری متهمان، محل توبه و نیایش با پروردگار و نهاد اصلاح و درمان، خلاصه کرد.

پس از آغاز عصر روشنگری در حقوق کیفری در قرن هجدهم، مقامات زندان اقدام به پردازش و توسعه برنامه‌های اصلاح، درمان و بازپروری برای زندانیان کردند. تاریخ عدالت کیفری در آمریکا، نمایانگر طیف گسترده‌ای از کارکردهای

زندان است که مناسب است در اینجا مورد اشاره قرار گیرد.

در آمریکا، دو نظام منسجم کارکردی برای نهاد زندان در نظر گرفته شده بود. نخستین آن مربوط به سال ۱۸۲۱ میلادی و بعد از آن معرفی شد که بر اساس آن، زندانیان روزها در مزارع، صنایع یا معادن به کارهای سخت و طاقت‌فرسا مشغول بودند و شب‌ها را در زندان می‌گذراندند، اما هر زندانی در درون یک سلول تنگ و تاریک قرار می‌گرفت و باید سکوت مطلق در سرتاسر زندان و محیط کار حاکم می‌شد. مسئولان زندان امیدوار بودند که این سکوت و انزوا باعث شود زندانیان به فکر جنایات و اصلاح خود باشند. با این حال، این نظام بدون دستیابی به هدف مطلوب خویش، شکست خورد، زیرا قوانین سخت‌گیرانه باعث به جنون کشاندن زندانیان می‌شد.

نظام دوم کارکردی زندان، در پی شکست نظام اول، در سال ۱۸۷۶ آغاز گردید. در این نوع نظام مجرمان ۱۶-۳۰ سال مورد استفاده قرار می‌گرفتند و مشتمل بر آیین‌نامه و قواعد انعطاف‌پذیر در مدیریت و نحوه برخورد با زندانیان بود. در این نوع نظام، زندانیان در قبال حسن رفتار، آزادی زود هنگام، مرخصی، غذای خوب، محل استراحت مناسب و نظیر این مزایا دریافت می‌کردند. همچنین زندانیان مکلف به انجام تمرینات بدنی و ورزش‌های مناسب برای کنترل خشم و اصلاح روح و روان و کسب توانمندی جسمی بودند.

۹۹ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در اوایل دهه ۶۰، به دلیل ملاحظات شرعی در خصوص جایگاه مجازات حبس در قلمرو جرائم تعزیری و نظر غالب فقهای شورای نگهبان وقت، جایگاه مجازات حبس تنزل پیدا کرد و نهاد زندان بیشتر جنبه نگاه‌دارنده برای مجرمان و متهمان، به خصوص متهمان و مجرمان امنیتی داشت. البته این وضعیت در دهه هفتاد و پس از آن، تغییر کرد و بر اقتدار زندان و جایگاه مجازات حبس برای چند دهه افزود. **۶۶**

اصلاحات اساسی در نظام زندان از دهه ۱۹۳۰ آغاز شد که به صورت مستقیم به برنامه‌های بازپرورانه روی آورد؛ اما با وجود تلاش‌های نظری برای بهبود عملکرد نظام زندان در آمریکا، به دلیل استفاده از کارکنان فاقد مهارت، ضعف آموزش، کمبود بودجه و فقدان کسب سود کافی از زندان، این نوع سیستم به نتایج مطلوبی نرسید. رکود عمیق اقتصادی در آمریکا موجب شد که مقامات عدالت کیفری در آمریکا، به زندان به مثابه یک صنعت نگرستند و اقدام به خصوصی‌سازی زندان‌ها کردند تا از این طریق بتوانند هزینه‌های اصلاح و درمان را کاهش داده و سود مالی بیشتری کسب کنند. در کنار راهبرد خصوصی‌سازی برای کاهش هزینه‌های زندان، متصدیان عدالت کیفری به این نتیجه رسیدند که برخی از محکومان به حبس را می‌توان با نگهداری در منزل (حبس در منزل)، به اهداف اصلاح و درمان نزدیک کرد.

با وجود این، در چنین دوره‌ای، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) به تصویب رسید و دولت‌ها به آن میثاق ملحق شدند. ماده (۱۰) این میثاق، قواعد حداقلی مربوط به رفتار با زندانیان را به این شرح مقرر کرد:

«ماده ۱۰-۱- درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

۲- الف- متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگاهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیرمحکوم خواهند بود.

ب- صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان تصمیم اتخاذ بشود.

۳- نظام زندان‌ها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی آنان باشد. صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونی‌شان باشند».

مطابق این ماده، دولت‌های طرف عضو موظف به استفاده از توان بخشی به عنوان هدف اصلی زندان در سیستم عدالت کیفری خود هستند. در کنار این میثاق، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵، سندی را تحت عنوان «قواعد حداقلی